ادامه از صفحه قبل

آیت‌الله حاج شیخ حسین لنکرانی[۶]

○ من راجع به حاج شیخ فضل‌الله نوری رحمه‌الله تاکنون چند کتاب منتشر کردم و در مورد ایشان از حاج شیخ حسین لنکرانی رحمه‌الله که پدرشان (حاج شیخ علی لنکرانی) از خصّیصین شیخ بوده، مطالبی نقل کردم. بد نیست در مورد ایشان هم اشاره‌ای داشته باشید.

بله، او خوب مردی بوده است. من از ایشان هم قصّه‌ها دارم. حاج شیخ حسین لنکرانی بین شیعه خیلی مظلوم واقع شده است. آشیخ حسین کم می‌آمد قمّ؛ حیف؛ ولی خب، به من خیلی عنایت داشت. خیلی اصرار داشت مرا تهران نگه دارد؛ البته یک شب پیشش بودم. به‌زور مرا نگه داشت.

○ در کجا؟ منزل ایشان در گلوبندک یا کوچه غورخانه؟

گلوبندک. موقع خواب دیدم این پیرمردِ حدوداً صدساله برخاست و با آن وضعیت جسمی، هفت تیرش را درآورد و زیر متکایش گذاشت. در زیر متکا نیز یک شصت تیر وجود داشت. ایشان در خانه تنها بود و جز من کسی با ایشان نبود. من تحمل نکردم و گفتم: آقا، این هفت تیر چیست؟! گفت: من دشمن، زیاد دارم. گفتم: تا به حال حمله‌ای هم به شما صورت گرفته است؟ گفت: بله، زیاد به سراغم آمده‌اند؛ ولی موفق نشده‌اند.

○ خدا رحمتش کند و خیلی در دفاع از ولایت اهل‌بیت علیهم‌السلام می‌کوشید.

مرحوم لنکرانی شخصیتی بَکّاء بود. من در طول عمرم، دو نفر را دیده‌ام که به‌نحوی فوق‌العاده، اهل گریه و خنده بودند و گریه و خندهشان هم مرکّب و نزدیک به هم بود؛ حاج شیخ حسین لنکرانی در تهران و آقا شیخ غلامرضا در یزد. آن دو داستانی برای انسان نقل می‌کردند و یا مزاحی می‌کردند و از خنده، قهقهه می‌زدند و دیگران را هم به خنده می‌انداختند. بعد چیزی نمی‌گذشت که فالمثل درباره مصائب اهل‌بیت پیامبر علیهم‌السلام مطلبی سوزناک می‌گفتند و مانند باران اشک می‌ریختند و اشک دیگران را هم درمی‌آوردند. این ذخائر حیف است که از دست بروند و محاسن اینها زیاد در دست است. تا حالا قریب چهارصد و هفده، هجده نفر از المَنسیّون را توانستم از لابه‌لای کتاب‌ها بگسترانم و شیخ حسین هم جزو این‌هاست. ما اگر این را چاپش کنیم، خیال می‌کنند خلافِ مغضوبی کردیم.

○ حالا نوشته حضرت‌عالی راجع به مرحوم آقای لنکرانی هم اگر یک وقت باشد که من نگاهی کنم، خوب است؛ چون چند وقتی است که راجع به ایشان مطالبی می‌نویسم.

چشم. واقعاً حیف است چون اینها مفاخر تاریخ‌اند. بنای من این بوده که هر پیش‌نمازی ترجمه نشود؛ بلکه یکی از استخوان‌های شیعه باشد و فقیهی از اوزان باشد. حاج شیخ ملّا قربانعلی زنجانی [از فقیهان مشروعه‌خواه زنجان در عصر مشروطه] هم از این‌هاست. او هم تقریباً یکی از فراموش‌شدگان تاریخ است و مردم فکر می‌کنند، فقط یک آخوند مقدسی بوده است. اینها خیلی خدمات دارند.

حالات علامه شعرانی رحمه‌الله

یک وقتی یکی از فضلای نجف، از یکی از آقایان تهران، یعنی آقا شیخ ابوالحسن شعرانی رحمه‌الله خیلی تعریف کرد. آن‌قدر گفت که مشتاق دیدار ایشان شدم. آن سال تابستان تصمیم گرفتم تهران بیایم و از نزدیک در درس ایشان شرکت کنم. آن وقت کمتر از سی‌سال داشتم. آمدم تهران و منزل ایشان را سراغ گرفتم. یک خانه محقّر خیلی خرابی داشت. یک عمامه خیلی کوچولویی داشت و یک محاسن خیلی کوتاه که من اول خیال کردم، این خادم آقاست! واقعاً دو روز، سه روز که آمدم خیلی شیفته ایشان شدم؛ دیگر هفت هشت سال بود که سه ماه تهران می‌ماندم و درس

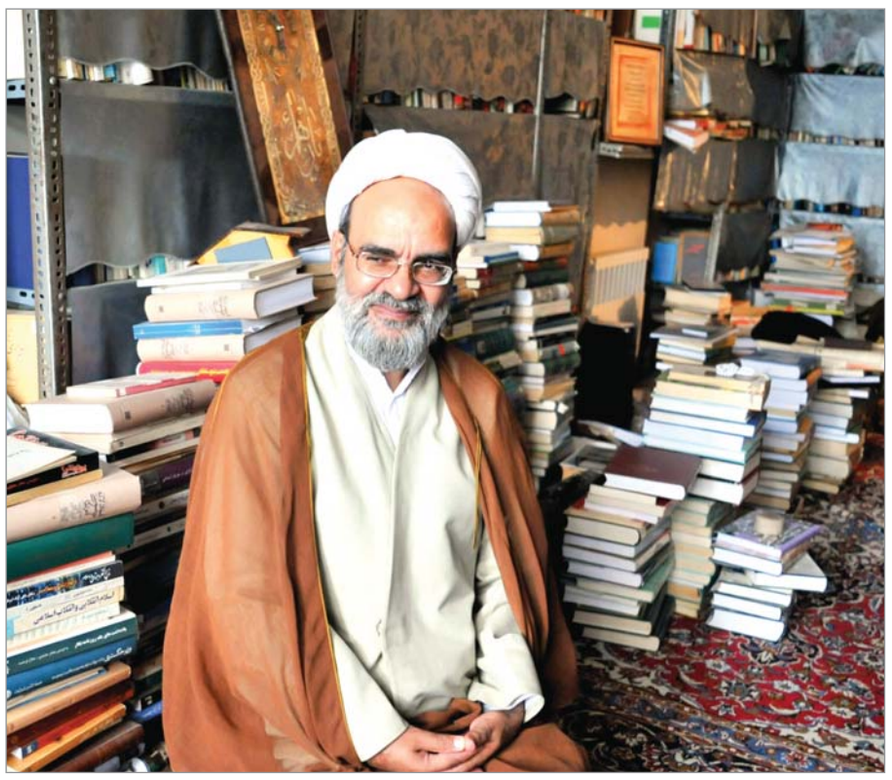

آقای شعرانی را می‌رفتم. ما با آقای حسن‌زاده آملی آنجا آشنا شدم. آن وقت طلبه جوانی بود که می‌آمد درس آقا. خودم دیدم آقای شعرانی برای امرار معاشش کتاب تصحیح می‌کند. سهم امام نمی‌گیرد. چاپخانه‌ها کتاب آقایان را که چاپ می‌کردند، ایشان غلط‌گیری می‌کرد. آقای شعرانیِ مجتهدِ حکیم، برای امرار معاش این‌جور کتاب‌ها را تصحیح می‌کرد. خیلی‌ها را ما شکل دیگری می‌شناسیم؛ درصورتی‌که آنها اَشکال بهتری هستند. مثلاً می‌گویند: آقا شیخ محمدحسین کاشف‌الغطاء، ملّای نری بوده؛ هر چی صحبت می‌کنند از شجاعتش از فصاحتش می‌گویند؛ نه، «فقیهِ» خوبی بود؛ «اصولیِ» خوبی بود؛ «فیلسوفِ» خوبی بود. در حرف‌زدن، ممکن است یک بقّال هم قشنگ صحبت کند؛ این دلیل بر علمّیت نمی‌شود. یا مثلاً سید-ابوالحسن اصفهانی.

عظمت آیت‌الله سیدابوالحسن اصفهانی رحمه‌الله

آیت‌الله‌العظمی گلپایگانی رحمه‌الله خودشان در حضور آیت‌الله‌العظمی صافی، یک قصّه‌ای را برایم گفتند که الآن حال ندارم همه‌اش را بگویم. همین تکّه‌اش به درد ما می‌خورد. آقای گلپایگانی فرمودند که در خواب دیدم کسی آمد به من گفت: امیرالمؤمنین علیه‌السلام داخل ضریح است و شما را می‌طلبد. فوری رفتم دیدم، آقا داخل ضریح است. روی یک صندلی نشسته و یک قدح بزرگ بلورین، مملّو از عسل و یک میز کوچک جلوی حضرت است. سلام و عرض ادب کردم. آقا فرمودند: سید محمدرضا یک انگشت از این عسل بخور. دیدم که آقا فرمودند و امر امام واجب است. من دست کردم یک انگشت برداشتم خوردم. چون درس سیدابوالحسن می‌رفتم ... گفتم: اجازه می‌دهید یک انگشت را هم برای سید ببرم؟ امیرالمؤمنین علیه‌السلام یک نگاهی به من کردند و با تبسم فرمودند: به سید عسل‌ها دادیم!

منقبت این است. اینها گم شده و این منابع را در شرح حال نمی‌نویسند و قصه‌های واهی و بی‌اساس [نقل می‌کنند]. توقیعی که برای آقا سیدابوالحسن آمد، نامه امام زمان عجل‌الله‌تعالی‌فرجه‌الشریف است که «ارجع الی النجف‌الاشرف و اجلس فی دهلیز بیتک»؛ حرمسرا درست نکن. دامادِ آقا، پسرِ آقا، نه؛ «وارخص نفسک». مردم با تو کار دارند، با داماد تو کار ندارند. «واقضِ حوائجَ المؤمنین نحن ننصرک».

من خیال می‌کنم، اگر کسی خوراقِ عادات و کرامات و نکته‌های خیلی لطیفی که از علما مشهود و مسموع شده [را جمع کند]، یک کتاب انس‌آوری می‌شود. خیلی از کُتُبِ قصصِ دیگر قشنگ‌تر است؛ مثل شیخ مفید. چون من بین غیرشیعه بودم، والله یکی از آنها کرامت ندارد. در اسلام کسی مثل «شیخ مفید» نبوده است. سه روز سنی و شیعه از اصحاب می‌آمدند، بر جنازه شیخ نماز می‌خواندند. می‌گویند: عدد نمازگزاران به هزاران نفر رسید. این جمعیّت در آن روزگار خیلی بوده است. بعد آقا که غائب می‌شود، روی خاک‌ها نگاه می‌کنند، می‌بینند نوشته:

لا صَوَّتَ النَّاعِی بِفَقْدِکَ اِنَّما
یَوْمٌ عَلی آلِ الرَّسُولِ عَظِیمٌ
اِنْ کُنْتَ قَدْ غَیَّبْتَ فِی جَدَثِ الثَّری
فَالْعِلْمُ وَالتَّوْحِیدُ فِیکَ مُقِیمُ
وَالْقائِمُ الْمَهْدِیُّ یَفْرَحُ کُلَّما
تلیَتْ عَلَیْهِ مِنَ الدُّرُوسِ عُلُومُ

اینهاست که در انسان ارتعاش ایجاد می‌کند. [می‌دانید که] روز وفات پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله را یوم عظیم می‌گویند. حالا برای روز وفات شیخ مفید رحمه‌الله هم تعبیر یوم عظیم را به‌کار می‌برد! اگر همه این کرامات جمع شود و گلچین شود، یک چیز قشنگی می‌شود. مقصودم این است که حرف‌های رطب و یابس قاطی شده است. ان‌شاءالله این به دست شما انجام شود.

مرجعیت آیت‌الله‌العظمی سیستانی

○ حضرت‌عالی با آیت‌الله آقا سیدعلی سیستانی، مرجع فعلی هم رفاقت داشتید؟

بله. من دلم می‌خواست با ایشان رفاقت پیدا کنم. خُب رفیق شدیم. ایشان درس آقای حکیم و آقای خوئی رحمهما‌الله و درس همه می‌رفت. [البته] نه [در مجلسی]، نه جایی دیده نمی‌شد. مشغول [فعالیت علمی] بود. شاهدم سر این است که یک روزی آقای میلانی مهمانی داشت. هفت، هشت نفر از علمای ناب مشهد هم مثل آشیخ کاظم دامغانی.

○ پدر این آقایان مهدوی دامغانی‌ها.

بله. آقا شیخ مجتبی قزوینی، حاج شیخ هاشم قزوینی و آقا میرزاجواد تهرانی رحمهم‌الله در این مهمانی بودند. اینها علمای بزرگ آن روزند. آن روز این سیّد جوان هم بود. شب، آقا، قبل از اینکه بروند توی اتاقی که کتابخانه ایشان بود، مطالعه کنند؛ یک پنج دقیقه‌ای، ده دقیقه‌ای در آنجایی که آقایان جمع می‌شدند و می‌نشستند، ناخودآگاه حرف آقای سیستانی آمد. ایشان از یکی از اجداد بزرگوار آقای سیستانی فرمودند. یک آقایی به نام علم‌الهدای سبزواری، مجتهد بود. خیلی ملا بود.

○ در همان مشهد بود؟

بله. اول کربلا بود؛ امّا خیلی عاشق آقا بود. آقا که آمد مشهد، ایشان هم آمد. فرمودند که جَد ایشان به‌قدر آقا سیدعلی؟ گفت: نه؛ به‌قدر همه بیشتر بود؛ خیلی فوق‌العاده بود. آن وقت آقای میلانی قریب به این مضمون فرمودند که مرحوم آقا سیدعلی [مجتهد] سیستانی - جَد این آقا سیّدعلی سیستانی - در حضور شیخ عباس قمی، درباره آقا سیدعلی [از قبل پیش‌بینی کرده و]گفته بود: او یکی از رجال اسلام خواهد شد؛ له شأنٌ. اینها کرامت است.

○ شبیه این قضیه را من از آقای مروارید مشهد هم شنیدم. آیا وقتی که آیت‌الله میلانی رحمه‌الله این مطلب را نقل کردند، آن آقایانی که فرمودید، یعنی حاج شیخ هاشم و حاج شیخ مجتبی و دیگران آنجا بودند؟

بله همه اینها نشسته بودند. آنها هم همه ملاّ بودند. همین آقای مروارید هم نشسته بود.

○ اگر این‌طور باشد، احتمالاً از همان‌جا نقل کردند.

گویا آقا سید محمدباقر حجّت[۷] که پریروزها فوت شد، ایشان هم بود. او هم یکی از نوابغ بود که او را نشناختند. مقصود[اینکه] گفت که... او شخصیتی دارد. الآن هم در دنیای شیعه از آقای سیستانی تقلید می‌کنند. بیرون ایران هر جایی بروید، ایشان مقلّد دارد.

آقای سیستانی جلو بود؛ [در] درس آقای حکیم، درس آقای خوئی و یک آدم کم‌صدایی بود. [مقید بود] یواش حرف بزند. [با وجود اینکه] جای علمی این‌جوری است که داد و بی‌داد است و همه بحث می‌کنند. حالا همین آقا با این جلالت، در زندان صدام است! زندان، نه؛ در خانه خودشان! چند روز پیش یکی از علمای عربستان سعودی اینجا آمده بود. گفت: نجف بودیم. از حرم آمدیم. اونجا همه مقلدین ایشان هستند. خواستیم برویم خانه آقا با زحمت چقدر رشوه [به برخی از مأمورین صدام] دادیم، چقدر پول دادیم. [عجیب اینکه] مرجع مسلمانان را باید این‌گونه ببینیم! خلاصه رفتیم آنجا و آقا ما را شناخت. گفت: اگر پول برای من آوردید به من چیزی ندهید. کسبه کربلا و نجف همه را می‌شناسند. بدهید به همین کسبه [تا به فقرا بدهند]. چطور اینجا پیش من آمدید؟ نمی‌گذارند کسی پیش من بیاید. گفت: با زحمت. آن‌قدر به اینها پول و سوغاتی - که حرام‌شان باشد - دادیم تا رخصت دادند، خدمت شما بیاییم! ... . گفت: از جایش بلند شد، درحالی‌که روی چشم‌هایش اشک بود. تعجب کردیم که چی شده؟ گفت: ما هم از جا پاشدیم. ما را بغل کرد و گفت: این لب من سه سال است به ضریح امیرالمؤمنین علیه‌السلام نخورده است. حتّی می‌رفتم پشت بام. آنجا یک تکه فرش می‌انداختم، مقابل گنبد می‌نشستم. اینها آمدند درب پشت بام را هم لحیم کردند! پشت بام هم نمی‌توانم بروم. می‌خواهم این صورتی که به ضریح حضرت امیر علیه‌السلام خورده را ببوسم. رئیسِ شیعه الآن [سال ۱۳۸۰] در این وضع زندگی می‌کند. خُب تعجّبِ ما درباره امامان، همین است. درِ خانه ابوحنیفه باز بود و برو و بیا؛ ولی امام صادق علیه‌السلام کنج خانه! امام کاظم علیه‌السلام هم در کنج سیاه‌چال بود: «فی ظُلَم المطامیر فی قَعرِ السُّجون». این فرق بین حق و باطل است! بله مقصود اینکه آقایانِ علما اکثراً از این مناقب دارند. خُب، هم من خسته شدم و هم آقایان خسته شدند.

• پی نوشت‌ها

۱. آیت‌الله‌العظمی سیدمحسن حکیم رحمه‌الله.

۲. آیت‌الله سیدحسن تهامی بیرجندی از فقیهان برجسته شیعه در تاریخ معاصر ایران است که با وجود دانش سرشار، زهد و گمنامی را به ثروت و شهرت ترجیح داد. وی در سال ۱۳۱۴ ه . ق (۱۲۷۶ ه. ش) در روستای سنداداِن، واقع در ۸ فرسخی بیرجند دیده به گیتی گشود. زادگاه ایشان روستایی در دهستان فخرورد از توابع بخش قهستان شهرستان درمیان، واقع در استان خراسان جنوبی است.

۳. بنا بر وصیت مرحوم بیرجندی، پیکر ایشان در مسجد خیرآباد نو (صاحب‌الزمانی) آرام گرفت. این مسجد یکی ازآثاری است که به‌همت وی در زمان حیات، بنا گردیده است.

۴. درباره اینکه پیکر شیخ شهید به چه کیفیتی از بالای دار به زیر آمد، دو روایت وجود دارد: مدیر نظام نوّابی که شاهد ماجرا بوده، پاره‌شدن طناب دار را عامل افتادن پیکر شیخ رحمه‌الله می‌داند. وی سال‌ها بعد از آن ماجرا در گفت‌وگو با نوه شیخ فضل‌الله نوری (تندر کیا) خاطرنشان می‌سازد: «در اثر تلاطم و طوفان که دائماً جسد را بالای دار تکان می‌داد، یک مرتبه طناب از گردن آقا پاره شد و نعش گُرپی به زمین افتاد!» (ر.ک: نهیب جنبش ادبی شاهین، دکتر تندرکیا، انتشارات روزنامه سیاسی فرمان، بی‌تا، ص۲۵۰).

اما بنا بر روایت قهرمان‌میرزا، عین‌السلطنه، با اذن‌گرفتن از شیخ مهدی- همان پسر ناخلف شیخ فضل‌الله که پای دار پدرش کف می‌زد- «نعش را پایین آوردند و به خانه خودش بردند...». (بنگرید: روزنامه خاطرات عین‌السلطنه، ج۴، ص ۲۷۰۵ «قهرمان‌میرزا سالور»، به‌کوشش مسعود سالور و ایرج افشار، اساطیر ، تهران ۱۳۷۶: ۲۷۰۵/۴. ماجرایی که آیت‌الله سیدعباس کاشانی نقل کردند، در این مورد بیشتر با اظهارات عین‌السلطنه تناسب دارد.

۵. البته نواده شیخ - تندر کیا - در شرح چگونگی انتقال پیکر شیخ فضل‌الله نوری رحمه‌الله به قم، می‌نویسد: جنازه ایشان، پس از هجده ماه از شهادت، از خانه آن مرحوم به حرم مطهر کریمه اهل‌بیت علیهاالسلام منتقل شد. (به کتاب سرّ دار «شهید هرگز نمی‌میرد»، مراجعه فرمایید).

۶. آیت‌الله حاج شیخ حسین لنکرانی معروف به بزرگمرد دین و سیاست، همسنگر آیت‌الله سیدحسن مدرّس رحمه‌الله در مجلس شورا و از یاران صمیمی امام خمینی رحمه‌الله بود. ایشان در حدود ۱۳۱۰ قمری در تهران متولد شد و با گذشت بیش از یکصدسال سن، در سحرگاه جمعه ۱۹ خرداد ۱۳۶۸ پس از اقامه فریضه صبح بدرود حیات گفت و با تشییعی باعظمت در حرم مطهر حضرت عبدالعظیم علیه‌السلام جنبِ مرقدِ آیت‌الله حاج ملاعلی کنی رحمه‌الله روی در نقاب خاک کشید.

۷. آیت‌الله سید محمدباقر حجت طباطبایی رحمه‌الله، فقیهی از خاندان صاحب ریاض بود که سال‌ها در شهر مقدس مشهد اقامت داشت. چنانکه در زندگینامه ایشان مذکور است، وی از شاگردان دانشور آیات عظام، آقایان: آقاضیاء عراقی، غروی اصفهانی، بروجردی، خوئی و میلانی (رضوان‌الله‌تعالی‌علیهم) به‌شمار می‌رفت. آن مرحوم در ۲۷ دی‌ماه ۱۳۸۰ شمسی روی از جهان برگرفت.

معرفی کتاب

• روش‌شناسی فهم اندیشه سیاسی امام خمینی رحمه‌الله

کتاب «روش‌شناسی فهم اندیشه سیاسی امام خمینی رحمه‌الله» نگاهی نو به عرصه مطالعات امام‌پژوهی است که به‌قلم حجت‌الاسلام والمسلمین مقدمی شهیدانی نگارش یافته و به‌کوشش انتشارات وعده صادق در ۴۲۰ صفحه چاپ و منتشر شده است.

معرفی کتاب

کتاب «روش‌شناسی فهم اندیشه سیاسی امام خمینی رحمه‌الله» کتابی است که در آن، ضمن بررسی و نقد روش‌های اندیشه‌پژوهی رایج در بررسی اندیشه سیاسی امام خمینی رحمه‌الله، به تبیین ضوابط و ملزومات اندیشه‌پژوهی ایشان پرداخته شده است. مؤلف در این کتاب، به معرفی منطق و الگویی بومی با عنوان «روش اجتهادی» پرداخته و آن را مطلوب‌ترین روش در بررسی اندیشه سیاسی امام خمینی رحمه‌الله دانسته است.

ساختار کتاب

فصل اول: حیات‌نامه فکری و سیاسی امام خمینی رحمه‌الله؛
فصل دوم: جایگاه روش‌شناسی در فهم اندیشه‌های سیاسی؛
فصل سوم: نقد الگوهای روش‌شناختی رایج در فهم اندیشه سیاسی امام خمینی رحمه‌الله؛
فصل چهارم: روش اجتهادی؛ الگوی مطلوب روش‌شناختی فهم اندیشه سیاسی امام خمینی رحمه‌الله.

علاقه‌مندان برای تهیه کتاب به آیدی vadehsadeqq@ پیام داده و یا به آدرس قم، روبه‌روی مدرسه حجتیه کتاب‌فروشی کیهان مراجعه نمایند.

• علم مفاهیم‌شناسی در قرآن (۱۱۴ جلد)

مجموعه ارزشمند «علم مفاهیم‌شناسی در قرآن» در ۱۱۴ جلد، توسط رسول ملکیان اصفهانی، تدوین و در سایت وزین قائمیه نصب و آماده بهره‌برداری (از سال ۱۳۹۴ تاکنون) جامعه علمی کشور و جهان گردیده است. تا هم-اکنون در سطح ایران و جهان، بیش از ۳۰۰ هزار نسخه دانلود و برداشت شده است. این مجموعه حاصل نزدیک به چهاردهه تلاش مستمر در زمینه تحصیل، تدریس و پژوهش قرآنی می‌باشد و با هدف اعتلای فرهنگ قرآنی و کمک به بنای تمدن نوین اسلامی بر اساس قرآن کریم به‌صورت مجموعه مرجع ارائه می‌شود.

معرفی اثر

مجموعه مذکور یک دانشنامه موضوعی و تخصصی قرآن کریم است که به بررسی واژگان قرآن از منظر علم مفاهیم‌شناسی می‌پردازد. این علم که در مرز بین علم لغت و علم تفسیر قرار دارد، روشی نوین در تحقیق و بررسی کلمات قرآن محسوب می‌شود. جلد نخست این مجموعه به‌عنوان مقدمه، به تبیین مبانی علم مفاهیم‌شناسی اختصاص دارد و سایر مجلدات (۱۱۳ جلد)، بر اساس حروف الفبا و به‌صورت موضوعی تدوین شده‌اند.

علاقه‌مندان برای دسترسی به کتاب، به سایت کتابخانه قائمیه مراجعه نمایند.

• اصول و فنون نگارش علمی

شیوه تدوین مقاله علمی بر اساس مهارت بندنویسی

نخستین متن آموزشی حوزه‌های علمیه در تدوین مقاله علمی با شیوه بندنویسی

مهدی محقق‌فر، نویسنده کتاب آموزشی «اصول و فنون نگارش علمی» با بهره‌گیری از سال‌ها تجربه در برگزاری کارگاه‌های آموزشی، برای بعضی از واژگان و اصطلاحات، معادل‌هایی نوآفریده و توانسته است، با بیان مثال‌هایی از منابع حوزوی، ظرافت‌ها و مطالب دشوار این سبک از مقاله‌نویسی را بهتر و کارآمدتر بیاموزد.

فصول کتاب

فصل اول: بند و شیوه‌های نوشتن آن (در چهار درس)؛
فصل دوم: مقاله کوتاه و شیوه‌های نوشتن آن (در چهار درس)؛
فصل سوم: تدوین مقاله علمی (در شش درس).

محتوای این کتاب برای عموم طلاب به‌ویژه سطح یک کاربرد دوچندان دارد و نیز برای علاقه‌مندان به مقاله‌نویسی حتی در سطوح بالاتر برای پایان‌نامه‌نویسی و مقالات پژوهشی، مفید و کاربردی است.
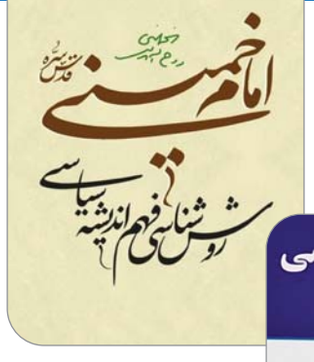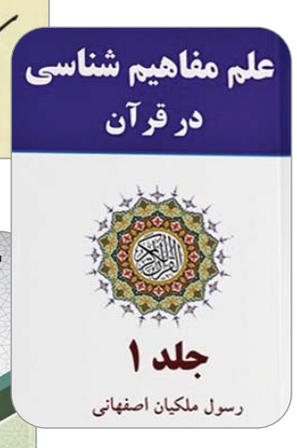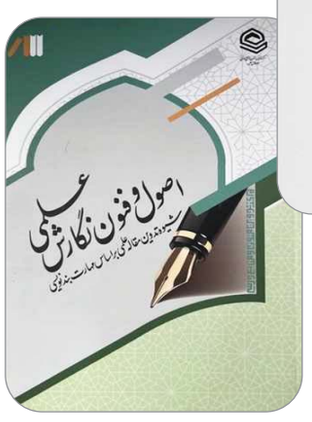
علاقه‌مندان برای تهیه کتاب به سایت مؤسسه نشر حوزه‌های علمیه به نشانی nashrehowzeh.ir مراجعه کنند و یا با شماره ۰۹۳۸۷۹۲۴۲۲۹ تماس بگیرند.